

پدیدارشناسی روح

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

ترجمه

سیدمسعود حسینی

سیدمهدی اردبیلی



نشرنی

سرشناسه: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱م. Hegel, Georg Wilhelm Friedrich • عنوان و نام پدیدآور: پدیدارشناسی روح/ گئورگ ویلهلم فریدریش هگل؛ ترجمه سیدمسعود حسینی، محمدمهدی اردبیلی • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۹ • نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۹ • مشخصات ظاهری: ۶۸۵ ص • فروست: مجموعه متون کلاسیک فلسفه • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۳۳۴-۴ • یادداشت: واژه‌نامه؛ نمایه • موضوع: وضعیت فهرست‌نویسی؛ فیفا • یادداشت: عنوان اصلی: Phänomenologie des Geistes • یادداشت: واژه‌نامه؛ نمایه • موضوع: نفس، آگاهی، Consciousness؛ حقیقت، Truth • شناسه افزوده: حسینی، سیدمسعود، ۱۳۶۶ - • مترجم: اردبیلی، محمدمهدی، ۱۳۶۱ - • مترجم • رده‌بندی کنگره: B۲۹۲۸ • رده‌بندی دیویی: ۱۹۳ • شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۲۵۷۸۸

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان



نشرنی

پدیدارشناسی روح

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

مجموعه متون کلاسیک فلسفه

مترجم: سیدمسعود حسینی، محمدمهدی اردبیلی

صفحه‌آرا: الهه خلیج‌زاده

لیتوگرافی: باختر • چاپ: غزال •

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۹، ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۳۳۴-۴

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مترجمان
۳۵	مندرجات
۳۹	پیشگفتار

علم پدیدار مناسی روح

۸۹	مقدمه
----	-------

(A) آگاهی ۱۰۱

۱۰۱	۱. یقین حسی؛ یا «این» و مرادکردن
۱۱۱	۲. ادراک؛ یا شیء، و فریب
۱۲۳	۳. نیرو و فاهمه، نمود و جهان فراحسی

(B) خودآگاهی ۱۴۹

۱۴۹	۴. حقیقت یقین به خویشتن
۱۵۶	A. خودایستایی و ناخودایستایی خودآگاهی؛ خدایگانی و بندگی
۱۶۶	B. آزادی خودآگاهی؛ روافی گری، شکاکیت، و آگاهی نگوینخت

(AA) (C) عقل ۱۸۷

۵. یقین و حقیقتِ عقل ۱۸۷
- A. عقل مشاهده‌گر. ۱۹۴
- a. مشاهده طبیعت. ۱۹۶
- b. مشاهده خودآگاهی در خلوص اش و رابطه اش با فعلیت بیرونی؛ قوانین منطقی و قوانین روان‌شناختی. ۲۲۷
- c. مشاهده رابطه خودآگاهی با فعلیت بی‌واسطه اش؛ چهره‌شناسی و مجموعه‌شناسی. ۲۳۲
- B. بالفعل شدن خودآگاهی عقلانی به دست خودش. ۲۵۸
۱. مدت ضرورت. ۲۶۴
- b. قانون دل، و جان خودبزرگ‌بینی. ۲۶۸
- c. فضیلت و هوسرسم‌پان. ۲۷۵
- C. فردیتی که خود، دست در برابر خود، واقعی است. ۲۸۳
- a. قلمرو جانوری روحانی و ریب خود «موضوع». ۲۸۴
- b. عقل قانون‌گذار. ۳۰۰
- c. عقل قانون‌آزما. ۳۰۴

(BB) روح ۳۱۱

۶. روح ۳۱۱
- A. روح حقیقی، اخلاقی عرفی. ۳۱۴
- a. جهان اخلاقی عرفی، قانون انسانی و قانون الهی، مرد و زن. ۳۱۵
- b. کنش اخلاقی عرفی، دانش انسانی و الهی، تقصیر و تقدیر. ۳۲۶
- c. وضعیت حقوقی. ۳۳۶
- B. روح از خودبیگانه؛ فرهنگ. ۳۴۰
۱. جهان روح از خودبیگانه. ۳۴۲
- a. فرهنگ و قلمرو فعلیت اش. ۳۴۳
- b. ایمان و پیش محض. ۳۶۶
۲. روشن‌گری. ۳۷۳
- a. نبرد روشن‌گری با خرافه. ۳۷۵
- b. حقیقت روشن‌گری. ۳۹۶
۳. آزادی مطلق و ارعاب. ۴۰۲

۴۱۱	C. روح متیقن به خویش. اخلاق.
۴۱۲	a. جهان‌بینی اخلاقی.
۴۲۲	b. لاپوشانی.
۴۳۲	c. وجدان، جان زیبا، امر شر و بخشودگی آن.

۴۵۹ دین (CC)

۴۵۹	۷. دین
۴۶۵	A. دین طریقی
۴۶۷	a. دین نامی
۴۶۸	b. گیاه و حیوان
۴۶۹	c. استادکار
۴۷۳	B. دین هنری
۴۷۵	a. کار هنری انتزاعی
۴۸۴	b. کار هنری زنده
۴۸۷	c. کار هنری روحانی
۴۹۹	C. دین آشکار

۵۲۱ دانش مطلق (DD)

۵۲۵	۸. دانش مطلق
-----	--------------

ضمایم

۵۴۱	درسگفتار درباره «فلسفه نظرورزانه»
۵۴۲	خودآگاهی پدیدارشناسی
۵۴۴	یادداشت برای تجدیدنظر در اثر سال ۱۸۰۷
۵۴۵	یادداشت‌ها
۶۰۵	واژه‌نامه
۶۷۹	نمایه

مقدمه مترجمان

اثر پیش رو نیازی به معرفی ندارد. از یک سو، از آن جا که این اثر در قلمرو فلسفه شهرت بسزایی دارد و، از سوی دیگر، به این دلیل که هرگونه معرفی یا توضیح در مقدمه مترجم، برای آشناسازی مخاطب ناآشنا با محتوای کتاب، دستکم از هر نویسنده این اثر، همواره نوعی شکست یا نقض غرض است. هگل در همان نخستین جمله کتاب خویش، با تمعنی انتقادی در قبال مقدمه نویسی اتخاذ می کند. «نوعی توضیح، بدان گونه که مطابق عادت پیش ازین نوشته در پیشگفتاری آورده می شود [...] به نظر می رسد در نوشته ای فلسفی نه تنها زائد، بلکه، [...] حتی زیاده و نقض غرض باشد» (Hegel 1980: 9). پس، با پند گرفتن از هگل، باید گفت که این مقدمه بنا نیست هیچ تمسیح دربارۀ محتوای کتاب، فصل بندی های آن، یا ایده اصلی حاکم بر آن به دست دهد و قرار نیست معانی متعارف باشد، بلکه سخنی است خطاب به خواننده فارسی از جانب مترجمان این اثر راجع به تجربه خویش از مواجهه با آن. پدیدارشناسی روح اثری است که نمی توان بدون مجهز شدن به و شناخت قبلی فلسفه رنان، سنت فلسفه مدرن، سنت ایدئالیسم آلمانی و به ویژه فلسفه هگل وارد آن شد. لحن و سبک نگارش این اثر حتی مخاطبان آشنا با فلسفه هگل را از همان ابتدا پس می زند و به روال آثار متعارف تن به خوانندگی نمی دهد. چنانچه خواننده ای جسورانه و خطرکنان به قلمرو این متن گام بگذارد، هیچ تضمینی نیست که از او به خوبی و خوشی استقبال شود و، اگر هم استقبالی خوش از او بشود، هیچ تضمینی نیست که وی از هزارتوی آن در مقام همان انسانی خارج شود که بدان وارد شده بود. مقصود ابداً مبالغه نیست، بلکه هشدار است دربارۀ مخاطرات پیش روی خواننده در این هزارتو، هشدار از جانب کسانی که خود نه پیش و نه پس از اقدام به ترجمه این اثر به هیچ وجه اطمینان نداشته اند که به روح اثر و هزارتوی آن به درستی راه یافته اند، هرچند بر این گمان اند که با برخی از مخاطرات آن رویارو شده اند، نوعی رویارویی که امکان هشدار دادن را به آن ها می دهد.

شنا کند، تن به آب بزند» (Hegel 1971: 430). به عبارت دیگر، گویا حکایت ما، زمانی که ادعا می‌کنیم پیش از خواندن پدیدارشناسی روح باید شرح‌ها و تفسیرهایی درباره این اثر خواند و لذا پیش از ورود به پدیدارشناسی روح باید پدیدارشناسی روح را شناخت، حکایت همین فرد مدرسی است.

شاید بتوان، مثلاً، برای مطالعه تأملات دکارت توصیه کرد که پیش از مطالعه تفاسیر باید خود این کتاب ساده، با آن اثر سراسر است و بیان روشن‌اش، را خواند و تازه پس از آن، به کمک تفاسیر، بر زوایای پنهان آن نظری افکند، مانند تن به آب زدن و یادگرفتن شناگری در استخری کم‌عمق و بی‌خطر که خواننده احتمالاً با تلاشی اندک می‌تواند خود را به ساحل امن یا مناطقی کم‌عمق برساند. می‌توان حتی در مورد آثار تجربه‌گرایان، مانند لاک و بارکلی و هیوم نیز چنین توصیه‌ای کرد. حتی با اندکی اغماض، می‌توان اخلاقی اسپینوزا و حتی نقد عقل محض کانت را نیز در ردیف چنین آثاری قرار داد. اما حکایت پدیدارشناسی روح «حکایت دیگری است.

خواننده را بدون تهدید به غرق شدن، به این اثر دعوت کردن عین آن است که او را، بدون اندک تمرینی در شناگری، ناغافل به ورطه ریای سوانج و طوفانی بیفکنیم که نه تنها ماهرترین شناگران، بلکه حتی قایق‌ها و کشتی‌های بسیاری را نیز مقهور و غرق کرده‌اند. خواننده بسیار پیش از آن که بخواهد شنا بیاموزد، پیش از آن که حتی بتواند دست‌وپا بزند، در میان این «پیشگفتار» به‌زیر کشیده و فاته‌اش خواننده می‌شود. البته توصیف این وضعیت به این معنا نیست که اکنون این مقدمه مترجم بناست، و رای این تناقض، راه سوم و امنی را پیش پای خوانندگان نگذاریم تا جایی که ما می‌دانیم، هیچ راه سوم و وجود ندارد. همان‌گونه که اشاره شد، هدف از نگارش این مقدمه نشان دادن راهی میانبر یا پناهگاهی به خوانندگان، بلکه نوعی هشدار است. البته این هشدار، خدایه‌ای امن در فانونسی دریایی یا در جزیره‌ای با زمینی سفت صادر نمی‌شود، بلکه تلاشی نامطمئن است برای آشکارسازی تنش‌ها و تردیدها و تصمیم‌هایی که نگارندگان این مقدمه (یا هشدار) با آن‌ها مواجه بودند. نگارندگان/مترجمانی که خود تجربه غرق شدن و سرگردانی در دریای این متن را داشته‌اند و هنوز هم در ساحل امنی نرسیده‌اند و از فرط حیرت در این دریای پرتلاطم به «لکنت» افتاده‌اند.

در نخستین مواجهه با پدیدارشناسی روح چنان می‌نماید که گویی نه (تنها) هگل بلکه خود زبان دچار جنون شده است، همان‌طور که رودولف هایم در انتقاد از این کتاب می‌نویسد: «پدیدارشناسی نوعی روان‌شناسی است که تاریخ آن را به آشفتگی و بی‌نظمی کشانده و تاریخی است که روان‌شناسی آن را از هم پاشیده است» (Haym 1962: 243). این دست نقل‌قول‌ها را به‌وفور می‌توان در آثار و نوشته‌های منتقدان هگل در طول دو قرن اخیر یافت (از شوپنهاور و کی‌یرکه‌گور و حتی دلوژ و آلتوسر در سنت قاره‌ای گرفته تا پوپر و مور در سنت تحلیلی). آیا به‌راستی هگل «دیوانه» به وادی مهمل‌نویسی درغلطیده است؟ آیا نباید فهم‌ناپذیری این کتاب را نه به گردن خواننده و جهل و ناتوانی‌اش، بلکه به گردن خود